

رایزنی گازی ایران با اعضای مجمع کشورهای صادر کننده گاز در مسکو

سرپرست وزارت نفت، از رایزنی های گازی ایران با اعضای مجمع سران مجمع کشورهای صادر کننده گاز خبر داد و توسعه میدانین و تبادل گازی را محور همکاری های نفتی ایران و روسیه اعلام کرد. به گزارش ایسنا،سرپرست وزارت نفت برای شرکت در بیست و هشتمین نشست وزارتی مجمع کشورهای صادر کننده گاز (جی ای سی اف) و همراهی مسعود پرتشکین، رئیس جمهور در هشتمین نشست سران این مجمع، بااستقبال کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه و جمعی از مقام های وزارت انرژی روسیه وارد فرودگاه شر میتوای مسکو شد. حمید بوره، همزمان با سفر به مسکو برای شرکت در هشتمین نشست سران مجمع کشورهای صادر کننده گاز اظهار کرد: هم مواضعمان را در این نشست اعلام می کنیم و هم نشست های دو جانبه باوزرای مربوطه خواهیم داشت. درباره همکاری های قیامیابن هم حتما مذاکراتی خواهیم داشت. سرپرست وزارت نفت تصریح کرد: نباید هم موضوع حفظ زیر ساخت ها را در جنگ ها بررسی کنیم و هم موضوع مبادلات گازی با کشور ها را پیگیری کنیم. همچنین باید برای ایجاد بازار مشترک و اتخاذ سیاست های یکسان در حوزه صادرات در دنیا بحث و گفت و گو کنیم. با مقام های شرکت های روس روابط خوبی داریم برای توسعه میدان بی آنها قرار داد داریم و درباره تبادل گازی هم در حال گفت و گو هستیم. او همچنین در گفت و گو دیگری اظهار کرد: ایران از بیناگذاران جی ای سی اف است و ما با کشورهای عضو درباره برنامه تولید و هم مشارکت های حوزه انرژی مذاکره خواهیم داشت.

ادامه از صفحه اول

◀ **مرزهای ایران تحریم پذیر نیستند**

■ **با وجود تداوم تحریم های بانکی و مالی، برخی می کنند وضعیت اقتصادی را دشوار توصیف می کنند. وضعیت واقعی منابع ارزی و تاب آوری کشور در حوزه کلان را چگونه تبیین می کنید؟**

بیینید تحریم های مالی و بانکی از روزول انقلاب تاکنون وجود داشته و مساله تازه ای نیست. رئیس کل بانک مرکزی این شرایط سخت، بانک مرکزی به هر کارت ریاست جمهوری ترامپ و حتی فراتر از آن، امکانات و ذخایر ارزی کافی برای تأمین نیازهای اساسی کشور را اختیار دارد. عده ای از روی نا آگاهی انتقاد می کنند که چار د این شرایط سخت، بانک مرکزی به هر کارت ملی سهمیه زاری مشخصی اختصاص می دهد؛ اگر بانک مرکزی پشتوانه ارزی مطمئن و منابع کافی نداشته، هرگز چنین جساتی به خرج نمی دهد که بگوید ارز مورد نیاز را عرضه کند. پشت این تصمیم گیری ها محاسبه دقیق قرار دارد. دشمن چند هفته پیش با تکیه بر جنگ روانی ادعا کرد که تا یک هفته دیگر اقتصاد ایران کاملاً فرو می پاشد و چیزی به نام اقتصاد ایران باقی نخواهد ماند. اما مدتی که هیچ غلطی نتوانستند بکنند، بله، ما کروسکوپیک و در زندگی روزمره مردم با سختی، نریم هم مشکلات فراوان و کاهش قدرت خرید دست و پنجه نرم می کنند؛ این واقعیت غیر قابل انکاری است. جنگ اقتصادی کشور از جنگ نظامی نیست؛ در جنگ حوا

پخش نمی کنند و هزار مصیبت به همراه دارد. اما آنچه سرنوشت ساز است، تاب آوری ملی است که می چداند، به پشتوانه ملی شجاع، با غیرت و تدبیر مسوولان حفظ شده است.

■ **به عنوان پرسش با یانی، ارزیابی کلی شما از تقابل میان جنگ روانی دشمن و واقعیت های میدانی مقاومت اقتصادی ایران چیست؟**

اگر بخوایم مقایسه ای داشته باشیم، فشار های وارد شده به اقتصاد ایران و تعهدات ما یک سو و بحران های ساختاری خود دنیای غرب سوی دیگر قرار دارد. برای مثال اگر فرضیه یسنت نگردد، هر مز مطرح شود صادرات نفت ما به دلیل کاهش قابل توجه در پتلاک های تانپورک و پاریس، فروشگاه ها و مردم جهان باید هزینه سرسام آور آن را بپردازند. امروز در خود فرانسه، ۷۰ هزار نیروی پلیس و امنیتی برای مهار اعتراضات مردمی به خیابان ها ریخته اند؛ این یعنی بحران واقعی در قلب کشورهای مدعی ثبات. اما رسانه های غربی حتی یک خط درباره این بحران ها حرف نمی زنند. در مقابل، اگر در تهران عده ای معبود تجمع کنند، همه رسانه ها بلافاصله تیر می زنند که کار جمهوری اسلامی تمام شد؛ این همان جنگ روانی تمام عیار است. با این حال، ملت ایران با بصیرت و مقاومت خود، بار دیگر ثابت کرد که اراده ملی بسیار قوی تر از هیاهوی رسانه ای و فشار های پولادین نظام سلطه است. من به آینده اقتصادی کشور و پایداری مناسبات منطقه ای بسیار خوش بین هستم.

روز صفر نفتی اقتصاد ایران تا کجا دوام می آورد؟

می تواند به یک کود دامن بزند. استقرار نیز اگر از مسیر پولی تأمین نشود، خطر افزایش تورم را بالا می برد. بنابراین حذف نفت از اقتصاد به معنای حذف یک درصد درآمدی است؛ نیست بلکه می تواند اثر ترکیب سیاست مالی و پولی را تغییر دهد؛ با این حال، یک نکته مهم نباید فراموش شود؛ اقتصاد ایران از موا با توقف صادرات نفت فرو نمی برد؛ ایران بازار داخلی بزرگی دارد، به بخش داخلی و صنعت آن گسترده است و صادرات غیر نفتی همچنان ادامه دارد. بانک جهانی نیز بر ظرفیت های داخلی و تنوع نسبی اقتصاد ایران تأکید کرده است. اما تفاوت میان «وام دادن» و «رشد کردن» بسیار مهم است؛ اقتصادی که بدون نفت تنها با کاهش رفتن شایید مصرف ذخایر و فشار بیشتر بر مالیات و پول ملی خود را حفظ کند، ممکن است از فروپاشی جلوگیری کند؛ اما الزاماً مورد سرگردان نمی شود؛ در چنین شرایطی، سوال بزرگ این است که آیا ایران می تواند از اقتصاد «درآمد نفتی» به اقتصاد «درآمد پایدار غیر نفتی» عبور کند یا خیر؟ این تحول نیازمند صادرات صنعتی و خدماتی، جذب سرمایه، ثبات مقررات، کاهش هزینه تجارت، دسترسی به شبکه بین المللی و افزایش بهره وری است. در غیر این صورت، نفت از اقتصاد ایران حذف نشده؛ فقط شکل مساله تغییر کرده است؛ به جای وابستگی به درآمد نفت، اقتصاد به مدد تحریران ناشی از نبود درآمد نفت وابسته خواهد شد؛ روز صفر نفتی شاید به معنای پایان اقتصاد ایران نباشد؛ اما می تواند پایان یک تصور قدیمی باشد؛ اینکه نفت همیشه، به هر شکل و در هر شرایطی، منبعی برای نجات اقتصاد خواهد بود.

نفت و انرژی

«تعادل» گزارش می دهد

پارادایم جدید در نظم اقتصادی انرژی

بازار جهانی نفت با دیگر قواعد دیرینه اقتصاد انرژی را به چالش کشیده است. در حالی که تا همین چند ماه پیش بسیاری از سناریوهای بین المللی سقف قیمت طلای سیاه را در کانال های دورقمی جست و جو می کردند، عبور مقتدرانه برنت از آستانه ۱۲۰ دلار و مهم تر از آن، تثبیت چندروزه در این دامنه نشان داد که فنر فشرده شده تنش های ژئوپلیتیک سرانجام از مهار درآمده است. اکنون دیگر پرسش این نیست که «یا نفت ممکن است صعود کند؟»، بلکه پرسش اساسی این است که «سقف ۱۵۰ دلاری چند روز با فاصله دارد؟». عددی که زمانی تنها در مانورهای پریسک و شبیه سازی های بحران مطرح می شد، امروز به واقعیتی ملموس در تابلوی مبادلات انرژی بدل شده است. اما در پس این جهش قیمتی، رازی نهفته است که معمولاً از چشم تحلیل های کلاسیک عرضه و تقاضا دور می ماند: کانون زلزله این بار صرفاً کمبود فیزیکی نفت خام در سرچاه ها نیست، بلکه پارگی رشته های اتصال زنجیره تأمین در سلاهر گهای دریایی است. جهش بهت آور هزینه حمل و نقل دریایی، دینامیک بازار را به گونه ای دگرگون کرده که قیمت تحویل به پالایشگاه ها با فرمول های فوب (FOB) فرسنگ ها فاصله گرفته است.

آنچه بازار را به این نقطه جوش کشانده، یک انفجار بی سابقه در صورت حساب های کشتیرانی است. تا پیش از شعلور شدن بحران های اخیر، هزینه کرایه نفتکش و انتقال هر بشکه نفت خام در استاندارد دهی جهانی رقمی ناچیز در حدود ۵۳ دلار بود؛ عددی حاشیه ای که اثر چندانی بر تصمیم گیری مدیران خرید پالایشگاه ها نمی گذاشت. امروز اما همین عدد در مقیاس جهانی به ۱۹۰ دلار و برای محموله های مبدأ خاورمیانه به رقم تکان دهنده ۳۵ دلار در هر بشکه رسیده است.

به بیان روشن تر، اکنون تنها کرایه و حق بیمه جابه جایی یک محموله نفتی از حاشیه خلیج فارس تا بنادر مقصد در شرق آسیا یا اروپا، بیش از یک چهارم ارزش ذاتی خود طلای سیاه را تشکیل می دهد؛ افزایش بیش از دبره ای در کرایه ها در آبراه های استراتژیک، یک مالیات نامرئی و بی رحمانه بر زنجیره پالایش جهان تحمیل کرده است. این جهش برق آسا نه به دلیل کمبود تناژ کشتنی ها، بلکه محصول مستقیم افزایش سرسام آور بیمه خطرات جنگی، تغییر مسیر کاروان های نفتی به سمت مسیرهای خلیج عمانی و افزایش ریسک ماندگاری در لنگرگاه ها است.

دلیل اصلی تمرکز این جهش هزینه ها بر خاورمیانه کلامعیا است: سایه سنگین ناامنی بر تنگه هرمز. هر بار که پایداری عبور از این پاریکه ۱۹۰ کیلومتری در معرض خطر قرار می گیرد، صنعت کشتیرانی جهانی با عدم عامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران اشاره به سیاست های دولت برای حداکثر کردن استفاده از کارت سوخت شخصی؛ از ۴۱ درصدی استفاده از کارت های اضطراری به ۲۵ درصد خبر داد و گفت که این اقدامات با هدف مدیریت مصرف بنزین و جلوگیری از افزایش واردات انجام می شود. به گزارش ایسنا، کرامت ویس کریمی -مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران- در نشست خبری که امروز بر گزار شده، با اشاره به سهم استفاده از کارت های سوخت شخصی و کارت های اضطراری جایگاه دار سوخت گیری بنزین اظهار کرد: در ۱۶ روز نخست شهریورماه ۱۴۰۵، بطور میانگین روزانه ۱۴۴ میلیون لیتر بنزین در کشور مصرف شده که ۵۸ درصد آن با کارت سوخت شخصی و ۴۱ درصد با کارت اضطراری جایگاه دار داشت شده است. وی با بیان اینکه در جایگاه های عرضه سوخت دونوع کارت هوشمند سوخت شامل کارت شخصی و کارت اضطراری جایگاه دار وجود دارد، اظهار کرد: بر اساس تاکیدات انجام شده در قوانین بودجه وزارت نفت، موظف بوده استفاده از کارت سوخت شخصی را به حداکثر و استفاده از کارت جایگاه را به حداقل برساند. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران با اشاره به آمار سوخت گیری در نیمه نخست بنزین مصرف شده در کشور ۵۹ درصد با کارت شخصی و ۴۱ درصد با کارت اضطراری جایگاه دار داشت شده است. وی با تشریح تفاوت میان استفاده از کارت سوخت شخصی و کارت اضطراری جایگاه توضیح داد: هنگامی که فردی با کارت سوخت شخصی سوخت گیری می کند، اطلاعات مربوط به سوخت و میزان سهمیه، جایگاه مراجعه مستقیم است. اما در سوخت گیری با کارت اضطراری جایگاه، مشخص نیست چه فردی با چه وسیله نقلیه ای و به چه میزان سوخت دریافت کرده است و صرفاً اطلاعات مربوط به جایگاه عرضه سوخت در دسترس قرار دارد. ویس کریمی ادامه داد: با توجه به مسوئله های وزارت انرژی، پس از اجرای این مصوبه سهم استفاده از کارت اضطراری جایگاه که پیش از آن حدود ۴۳ تا ۴۴ درصد به حدود ۲۵ درصد کاهش یافت، در این سال گزارت رخ سوخت گیری با کارت جایگاه نیز از ۳۰۰۰ به ۵۰۰۰ تومان رسید و ی با اشاره به ابلاغیه هیات وزیران به تاریخ ۱۴ مهر ۱۴۰۴ توضیح داد: هیات وزیران به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور و همکاری وزارتخانه های نفت، کشور، صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه ها به استناد قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت، برنامه جامع تخصیص حامل های انرژی در شبکه حمل و نقل کشور را تصویب کرد و بر اساس این مصوبه دستگاه های

دچار انقباض عضلانی می شود. مالکان کشتنی ها برای پذیرش ریسک تردد از این آسراه حیاتی ارقام نجومی طلب می کنند و شرکت های بزرگ بیمه نیز پوشش های استاندارد را با الحاقیه های سرسام آور جایگزین کرده اند. نتیجه این انسداد لجستیکی، دوبارگی قیمت در بازار جهانی است: نفتی که بر سر چاه در مبدأ تولید قرار دارد و نفتی که واقعا به درب واحد تقطیر پالایشگاه ها می رسد، در شرایطی که پالایشگاه ها برای تضمین خوراک خطوط تولید خود ناچار به پرداخت هزینه گزاف ۳۵ دلاری برای حمل هر بشکه هستند، قیمت تمام شده فرآورده نهایی به اعدادی ارتقا می یابد که با شرایط جهانی برای کشتش قیمت نفت خام به کانال ۱۵۰ دلار فراهم می سازد.

واکنش بازارهای مالی به این رالی پرشتاب، سریع و ویرانگر بود. سقوط همزمان شاخص ها در تالارهای سهام و آلتر استریت، توکیو، ستول و شانگهای حاکی از آغاز فصل جدیدی از نگرانی های کان است. بازارهای سهام جهان هنوز از تله نهم سال ها گذشته و سیاست های پولی انقباضی بانک های مرکزی هاندهند. بودند که پایداری عبور از این پاریکه ۱۹۰ کیلومتری در شرق آسیا، جایی که اقتصادهای پیشرو نظیر

مدیرعامل شرکت پخش فرآورده های نفتی اعلام کرد

تغییر الگوی سوخت گیری برای کاهش مصرف

تعیین شده موظف به اجرای اقدامات بر تباطرنامه مذکور هستند. در راهبرد ششم این مصوبه موضوع تخصیص سهمیه و هدفمند سوخت به خودروها و موتورسیکلت های شخصی مورد تأکید قرار گرفته است. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران با اشاره به این اقدامات با هدف مدیریت مصرف بنزین و جلوگیری از افزایش واردات انجام می شود. به گزارش ایسنا، کرامت ویس کریمی -مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران- در نشست خبری که امروز بر گزار شده، با اشاره به سهم استفاده از کارت های سوخت شخصی و کارت های اضطراری جایگاه دار سوخت گیری بنزین اظهار کرد: در ۱۶ روز نخست شهریورماه ۱۴۰۵، بطور میانگین روزانه ۱۴۴ میلیون لیتر بنزین در کشور مصرف شده که ۵۸ درصد آن با کارت سوخت شخصی و ۴۱ درصد با کارت اضطراری جایگاه دار داشت شده است. وی با بیان اینکه در جایگاه های عرضه سوخت دونوع کارت هوشمند سوخت شامل کارت شخصی و کارت اضطراری جایگاه دار وجود دارد، اظهار کرد: بر اساس تاکیدات انجام شده در قوانین بودجه وزارت نفت، موظف بوده استفاده از کارت سوخت شخصی را به حداکثر و استفاده از کارت جایگاه را به حداقل برساند. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران با اشاره به آمار سوخت گیری در نیمه نخست بنزین مصرف شده در کشور ۵۹ درصد با کارت شخصی و ۴۱ درصد با کارت اضطراری جایگاه دار داشت شده است. وی با تشریح تفاوت میان استفاده از کارت سوخت شخصی و کارت اضطراری جایگاه توضیح داد: هنگامی که فردی با کارت سوخت شخصی سوخت گیری می کند، اطلاعات مربوط به سوخت و میزان سهمیه، جایگاه مراجعه مستقیم است. اما در سوخت گیری با کارت اضطراری جایگاه، مشخص نیست چه فردی با چه وسیله نقلیه ای و به چه میزان سوخت دریافت کرده است و صرفاً اطلاعات مربوط به جایگاه عرضه سوخت در دسترس قرار دارد. ویس کریمی ادامه داد: با توجه به مسوئله های وزارت انرژی، پس از اجرای این مصوبه سهم استفاده از کارت اضطراری جایگاه که پیش از آن حدود ۴۳ تا ۴۴ درصد به حدود ۲۵ درصد کاهش یافت، در این سال گزارت رخ سوخت گیری با کارت جایگاه نیز از ۳۰۰۰ به ۵۰۰۰ تومان رسید و ی با اشاره به ابلاغیه هیات وزیران به تاریخ ۱۴ مهر ۱۴۰۴ توضیح داد: هیات وزیران به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور و همکاری وزارتخانه های نفت، کشور، صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه ها به استناد قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت، برنامه جامع تخصیص حامل های انرژی در شبکه حمل و نقل کشور را تصویب کرد و بر اساس این مصوبه دستگاه های

زاین و کره جنوبی به شدت به واردات نفت از طریق خلیج فارس وابسته اند، ریزش شاخص ها عمیق تر از غرب بود. هر دلار افزایش در قیمت و کرایه حمل نفت خام، مستقیماً بهای تمام شده تولید صنعتی، تراز این کشورها را می تراشد. در و آل استریت نیز امیدها به تداوم سیاست های تعدیل نرخ بهره عملا بر باد رفته است، چرا که نفت ۱۲۰ دلاری و چشم انداز ۱۵۰ دلاری بنای بازگشت موج تورم به بخش های حیاتی نظیر بنزین، گازوئیل، پتروشیمی و هزینه های ترابری عمومی.

در قلب این بحران، صنعت پالایش نفت قرار دارد. با رسیدن نفت به مرز ۱۲۰ دلار و هزینه حمل ۳۵ دلار، شکاف بازدهی میان پالایشگاه های پیشرفته و پالایشگاه های ساده به شدت افزایش یافته است.

مدیران پالایشی برای جلوگیری از زیان عملیاتی ناچارند حاشیه سود فرآورده ها (Crack spreads) به ویژه گازوئیل و سوخت جت را به ارقام بی سابقه ای بالا ببرند.

این سازوکار، بارم پیچ تورمی جدیدی ایجاد می کند: گران تر شدن سوخت صنعتی هزینه انتقال کالاهای اساسی و محصولات کشاورزی را بالا می برد و به نوبه

تعادل



خود، تقاضای کل اقتصاد را منقبض می سازد. با این حال، به دلیل چسبندگی شدید نیاز به سوخت در فصل های پیشرو، اثر تخریب تقاضا دست کم در کوتاه مدت به اندازهای نیست که بتواند جلوی پیشروی قیمت نفت خام به سمت ۱۵۰ دلار را بگیرد.

آنچه در پاییز ۱۴۰۵ شاهد آن هستیم، پایان دوران انرژی ارزان و آغاز عصر مخاطرات فرآینده زنجیره تأمین است. نفت خام دیگر کالایی نیست که صرفاً با میزان بشکه های خروچی آیوپک یا تضمینات فدرال رزرو امریکا ارزش گذاری شود؛ هنده سه جدید بازار حول محور امنیت تراز نیست، هزینه عبور از تنگه های استراتژیک و انعطاف پذیری شبکه کشتیرانی بنا شده است.

اگر شرایط آبراهی منطقه به همین منوال ادامه یابد و راه حل امنیتی پایداری برای بازگشت هزینه های لجستیک به مدار متعارف پیدا نشود، فرود آمدن

چکش نفت ۱۵۰ دلاری بر پیکر اقتصاد جهانی حاصل خواهد بود. این رویداد تنها یک تغییر نرخ در بازارهای مالی نیست، بلکه رنگ هشدار جدی برای بازیابی ساختار تجارت بین الملل، افزایش رکود تورمی در

بلوک های اقتصادی و تغییر تراز قدرت در ژئوپلیتیک جهان به شمار می رود.

۱۴۰۴ سهم استفاده از کارت شخصی سوخت ۴۹ درصد و سهم استفاده از کارت اضطراری جایگاه ۵۱ درصد بود. این در حالی است که در مهرماه سال ۱۴۰۵ سهم استفاده از کارت شخصی به ۵۸ درصد افزایش یافت و سهم استفاده از کارت اضطراری جایگاه به ۴۲ درصد رسید. در مهرماه سال به صورت میانگین ۲۰ میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف شده که این عدد در مهر ۱۴۰۴ روزانه حدود ۲۰ میلیون و ۲۰۰ هزار لیتر بوده است.

اوا با اشاره به اطلاعات ثبت شده در دوره اجرای طرح گفت: بر اساس بررسی های انجام شده ۵۱ درصد از افراد یک بار سوخت گیری کرده اند. ۲۴ درصد در ۱۱ بار، درصد سه بار ۱۴ و در صد بیش از سه بار سوخت گیری کرده اند. در بررسی ها سوخت گیری ثبت شده برای این گروه ها نیز به ترتیب ۲۵ درصد بیش از سه بار سوخت گیری کرده اند. ۱۹ میلیون لیتر سوخت برای گروه سوم و ۲۴ میلیون لیتر برای افرادی بوده است که بیش از سه بار سوخت گیری کرده اند. در بررسی ها موردی مشاهده شد که یک فرد به ۳۸ جایگاه مراجعه کرده و ۹۸ توکن دریافت کرده که مجموعه بنزین دریافتی او ۳۳۳۷ لیتر بوده است. ویس کریمی در ادامه به اشر به الزامات قانونی اجرای طرح انتقال سهمیه سوخت به کارت بانکی اظهار کرد: بر اساس جز ۲ بند ۳ تبصره ۳ قانون بودجه مقرر شده بود امکان انتقال سهمیه سوخت از کارت هوشمند سوخت به کارت بانکی صاحبان خودرو فراهم شود. بر اساس این قانون وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری دستگاه های مرتبط، از جمله سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارت نفت، موظف بود برای نامه اجرایی مربوطه از ظرف چهار ماه تدوین و برای تصویب به دولت ارائه کند. آیین نامه اجرایی این طرح با توجه به شرایط و ملاحظات ناشی از جنگ ۱۲ روزه تاخیر همراه شد. در نهایت هیات وزیران آذرماه ۱۴۰۵ به پیشنهاد وزارت اقتصاد با همکاری دستگاه های مرتبط آیین نامه اجرایی این طرح را تصویب کرد که در ۲۵ آذرماه همان سال ابلاغ شد. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران با تأکید بر اینکه مسوولیت اجرای این طرح بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است، تصریح کرد: مطابق آیین نامه ابلاغ شده وزارت امور اقتصادی و دارایی باید سوئیچ سهمیه را در مجموعه خود ایجاد کند. این سوئیچ نیز مانند سایر زیرساخت های مرتبط با سهمیه سوخت باید از سامانه هوشمند سوخت موجود مستقل و مجزا باشد. بر اساس آیین نامه سوئیچ سهمیه سوخت باید پیش از بهره برداری تأیید به مرکز مدیریت راهبردی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ریاست جمهوری را تأیید کند. همچنین به گونه ای تباط با سامانه هوشمند سوخت منوط به تأیید این مرکز شده است. وی افزود: با توجه به گستردگی شبکه سوخت کشور و اهمیت امنیت اطلاعات در این حوزه رعایت ملاحظات امنیتی و دریافت تأییدیه های لازم ضروری است از این سوئیچ سهمیه ایجاد از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شود و پس از طی مراحل امنیتی امکان برقراری ارتباط با سامانه های مرتبط فراهم شود.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران با بیان اینکه این شرکت آمادگی لازم را برای همکاری در اجرای طرح دارد، اظهار کرد: زیرساخت های شرکت ملی پخش برای اجرای این طرح آماده است و به محض اینکه وزارت امور اقتصادی و دارایی سوئیچ سهمیه را ایجاد کند و تأییدیه های امنیتی لازم دریافت کند، می توانیم اطلاعات مورد نیاز مربوط به سهمیه خود را در اختیار این وزارتخانه در دهیم.

تغییر رویکرد حمایت های مالی انرژی

رئیس سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی با اشاره به اینکه حمایت مالی صرفاً به خرید و تعویض تجهیزات کم مصرف محدود نمی شود، بلکه میزان صرفه جویی واقعی و قابل سنجش، مبنای حمایت قرار خواهد گرفت، گفت: این رویکرد با هدف افزایش آری بخشی اقدامات و تحقق اهداف کاهش مصرف انرژی در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش ایسنا، اسماعیل سقباک اصفهانی - معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی - در نشست با اعضای هیات مدیره انجمن انرژی های تجدیدپذیر ایران، با حضور برخی از معاونین سازمان، چهار محور «وضعیت مصرف»، «پارانه های انرژی»، «شناسایی علل و ریشه ها»، «نحوه اجرای ماده ۴۶ برنامه هفتم پیشرفت» را به عنوان اولویت های همکاری پژوهشی و اجرایی تشریح کرد. وی با اشاره به ضرورت بررسی فاصله وضعیت موجود مصرف انرژی با اهداف برنامه هفتم، خواستار مقایسه سلاخ های ایران با کشورهای با شرایط مشابه و همسایه شد و افزود: باید با مطالعات دقیق و تفکیک بخش های مصرف کننده، ظرفیت واقعی کاهش مصرف و مسیر دستیابی به اهداف برنامه مشخص شود. سقباک اصفهانی همچنین بررسی نحوه تخصیص پارانه های انرژی، تجربه اجرای قانون هدفمندی پارانه ها و مهم عوامل قیمتی و غیرقیمتی در مصرف را ضروری دانست و گفت: مجموعه این عوامل باید در آفق های کوتاه مدت و بلندمدت بررسی شود. رئیس سازمان بهینه سازی و مدیریت راهبردی انرژی با بیان اینکه منطلق ماده ۴۶، حمایت از اقداماتی است که به صرفه جویی منجر می شوند، تصریح کرد: سازمان برای تعویض بخاری، کولر یا سایر تجهیزات صرفاً هزینه پرداخت نمی کند، بلکه از نتیجه قابل سنجش این اقدامات در کاهش مصرف انرژی حمایت خواهد کرد. دانشگاه ها و صنایع فولاد و سیمان از ظرفیت های مناسب برای آغاز مطالعات و اجرای طرح های اقتصادی و عملیاتی هستند که طراحی راهکارهای متناسب با نیاز و شرایط هر منطقه ضروری است. سقباک اصفهانی در پایان، تشکیک دبیرخانه حرفه ای و تیم ثابت برای پیگیری همکاری ها را خواستار شد و گفت: ارائه گزارش های مدیریتی دوهفتگی، تولید مقاله بر گزارری نشست های تخصصی باید به خروجی مشخص منجر شود. هدف این است که انرژی به دغدغه عمومی تبدیل شود و متخصصان حوزه های اقتصادی، اجتماعی و انرژی در کنار یکدیگر برای حل مسائل آن گفت و گو کنند.

وزیر نفت برای رفع ناترازی انرژی و افزایش بهره وری راهکار داشته باشد

نماینده هشترو در مجلس با تأکید بر ضرورت انتخاب مدیری توانمند برای وزارت نفت گفت: وزیر نفت آینده باید بتواند میان ظرفیت های گسترده نفت و گاز کشور و نیازهای واقعی مردم و بخش تولید ارتباط برقرار کند و برای مشکلاتی همچون ناترازی انرژی و افزایش بهره وری راهکارهای عملی داشته باشد. فرامرز شاهسواروی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به اهمیت عملکرد وزارت نفت در تأمین نیازهای کشور اظهار کرد: نتیجه مدیریت در صنعت نفت باید در بخش های مختلف اقتصادی و زندگی مردم قابل مشاهده باشد. این وزارتخانه علاوه بر مسوولیت های مرتبط با تولید و صادرات، در تأمین سوخت و انرژی مورد نیاز بخش های مختلف نیز نقش مهمی دارد و تصمیم گیری می تواند بر فعالیت صنایع و روند تولید اثر بگذارد. وی افزود: یکی از موضوعاتی که وزیر آینده باید با جدیت دنبال کند، مدیریت مصرف و استفاده بهینه از منابع انرژی است. کشور از ظرفیت های قابل توجهی در زمینه انرژی و منابع طبیعی، اما برای بهره برداری مؤثر از این ظرفیت ها باید برنامه یزی دقیقتری در زمینه تولید، انتقال، توزیع و مصرف وجود داشته باشد. نمی توان تنها با افزایش تولید به همه مسائل انرژی و موضوعات لازم از سامانه هوشمند موثر تر وضعیت انرژی کشور به صورت همزمان مورد توجه قرار گیرد. این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت انتخاب مدیری آشنا با شرایط صنعت نفت تصریح کرد: در انداز این وزارتخانه نیازمند شناخت مباحث فنی و اجرایی و همچنین توان هماهنگی میان بخش های مختلف است. مدیری که سابقه فعالیت در این صنعت را داشته باشد، با بخشی از محدودیت ها و ظرفیت های موجود آشناست و می تواند شناخت بیشتری در باره اولویت های اجرایی تصمیم بگیرد. وی افزود: البته مهم است که وزیر آینده بتواند از تجربه مدیریتی خود برای حل مسائل موجود استفاده کند. برنامه های انحصاری برای توسعه عملکرد مجموعه داشته باشد. آنچه برای مجلس اهمیت دارد، صرفاً سوابق افراد نیست، بلکه باید مشخص شود که گزینه پیشنهادی برای رفع مشکلات چه برنامه ای دارد و چگونه می خواهد آن را به مرحله اجرا برساند. نماینده مردم هشترو با تأکید بر ضرورت توجه به آثار تصمیم های وزارت نفت بر بخش تولید اظهار کرد: تأمین پایدار انرژی برای واحدهای صنعتی و تولیدی اهمیت زیادی دارد و هر گونه اختلال در تأمین می تواند به هزینه ها و روند فعالیت آنها اثر بگذارد. وزیر آینده باید با نگاهی جامع، همه نیازهای بخش خانگی را در نظر بگیرد و هم برای تأمین انرژی مورد نیاز تولید و صنعت برنامه یزی در دسترس قرار داده باشد. تصمیم هایی که با شناخت واقعیت های عملیاتی و مشارکت نیروهای متخصص اتخاذ شوند، امکان اجرای هر طرحی را خواهند داشت و می توانند به بهبود عملکرد بخش های مختلف کمک کنند. این نماینده مجلس در پایان با بیان اینکه وزیر پیشنهادی باید بر نامه ای روشن برای مدیریت چالش های این حوزه ارائه کند، خاطر نشان کرد: انتظار می رود فردی مسوولیت این وزارتخانه را بر عهده بگیرد که ضمن برخورداری از تجربه و شناخت کافی، در برابر نتایج تصمیم های خود پاسخگو باشد.